

# فرمانده سپاه در برابر صدها پرسش ۲ هزار دانشجوی بسیجی!

فرمانده سپاه پاسداران، بدنبال افشای سخنان در جمع فرماندهان نیروی دریایی در شهر قم، که با انتقاد همه مطبوعات غیر وابسته به ارتجاع مذهبی و بازاری ها و همچنین مطبوعات غیر حکومتی روبرو شد و واکنش های بسیار منفی در سطح جامعه داشت، سرانجام ناچار شد در دانشگاه تهران حضور یابد و به برخی انتقادهای پاسخ بدهد.

رحیم صفوی در توجیه سخنان در شهر قم، مطالبی را مطرح کرد، که همین مطالب نیز در نوع خود با واکنش های جدیدی در جامعه روبرو شد. از جمله اینکه «ما یک سنگی انداختیم تا مارها بیرون بیایند و هیچدم این ماه هم دادگاه یکی از این افراد (منظور شهردار تهران می باشد) است.» رحیم صفوی در همین سخنرانی و پرسش و پاسخی که متعاقب آن و بدت دو ساعت ادامه یافت، گفت که یک جریان سوم وابسته به خارج را سپاه شناسایی کرده و میوه هر وقت رسید آن را خواهیم چید. او گفت که این جریان سوم حتی اسلحه جمع می کند!

مطبوعات داخل کشور، بدرستی از فرمانده سپاه پاسداران سؤال کردند، که اگر سپاه می داند که کسانی دارند اسلحه جمع می کنند، چرا همین حالا و در جریان تدارک عملیات مسلحانه آنها را دستگیر و به مردم معرفی نمی کند؟

آنچه که مطبوعات داخل کشور، نه بدان پرداختند و نه تفسیری بر آن افزودند، نوع جلسه ای بود که فرمانده سپاه در آن حضور یافت و مطالب و سؤالاتی که در آن مطرح شد؛ در حالیکه، برای تحلیل اوضاع ایران نباید از این نکات غفلت کرد!

این سخنرانی در حضور ۲ هزار دانشجوی وابسته به بسیج سپاه پاسداران از تمامی دانشگاه های تهران ایراد شد. در واقع فرمانده سپاه پاسداران، همانگونه که رهبر جمهوری اسلامی از بیت مقام رهبری خود را به میان بخشی از دانشجویان دانشگاه تهران رساند، وی نیز از جلسات محرمانه سپاه و پادگان های نظامی ناچار شد، خود را به دانشگاه و به میان جمعی از دانشجویان برساند!

نفس همین حضور در میان دانشجویان، خود نشان دهنده اهمیت جنبش دانشجویی کشور و نقش روز افزون آن در جنبش عمومی کشور است. اما در مورد حضور فرمانده سپاه پاسداران در میان دانشجویان بسیجی انگیزه های دیگری نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

نخست آنکه جمع کردن همه بسیجی های دانشجویی، از تمامی دانشگاه های تهران در یک نقطه و حضور فرمانده سپاه در جمع آنها، خود به معنای مسئله دار بودن این بسیجی ها در برابر اندیشه ها و وابستگی های مالی است که فرماندهان سپاه و بسیج دارند. اگر دانشجویان بسیجی، تحت تاثیر جنبش عمومی دانشجویی قرار نداشته و یک کل واحد را تشکیل می دادند که حاضرند هرگاه فرمان صادر شود، کیف و قلم را زمین گذاشت، چوب و چماق و چاقو بدست گرفته و یا اسلحه بدست در کنار انصار حزب ا لله قرار گیرند، دیگر نیازی به تشکیل این جلسات توجیهی و حضور فرمانده سپاه در میان آنها نبود. بنابراین فرماندهی و فرمانبری، نه تنها در بدنه سپاه و بسیج، در پادگان های نظامی شدت زیر علامت سؤال است، بلکه در دانشگاه ها نیز که بسیجی ها را بعنوان سهمیه سپاه و بسیج بر صندلی دانشجویی نشانده اند، نیز این فرماندهی زیرعلامت سؤال قرار دارد.

نکته دومی که باید در نظر داشت، آنست که گردهمایی دو هزار دانشجوی بسیجی دانشگاه های تهران، در دانشگاه تهران، تنها جلسه ای برای استماع سخنان فرمانده سپاه پاسداران نبوده است! به نوشته روزنامه "سلام"، متعاقب سخنرانی فرمانده سپاه (که ظاهراً کوتاه نیز بوده) به مدت دو ساعت پرسش و پاسخ شروع شده و باز به نوشته سلام، در این جلسه پرسش و پاسخ، صدها پرسش از سوی دانشجویان بسیجی طرح شده که وقتی برای پاسخگویی به آنها باقی نمانده است!

بنابراین و برخلاف برداشت های مطبوعات داخل کشور و بی عنایتی های مطبوعات خارج از کشور، که عمدتاً اصطلاح بکار گرفته شده فرمانده سپاه، یعنی "میوه چینی" را عمده یافته، و این افاضه او را، که «فرمانده من مقام معظم رهبری است و ایشان مرا منع نکرده اند» برجسته ساخته و پیرامون آن به تحلیل و تفسیر اوضاع ایران پرداخته اند، نکات دیگری در حاشیه و متن این حضور، سخنرانی و پرسش و پاسخ است که ما را در تحلیل اوضاع رهنمون شده و مانع از آن می شود که با شنیدن یک سخنرانی تهدید آمیز، اوضاع را در حال "گودتا" و "پورش قطعی راست" ارزیابی کنیم و یا به این نتیجه برسیم که «تلاش و امید بی فایده است، سرکوب قطعی است!»

**وقتی فرمانده سپاه پاسداران، بنا بر نوشته روزنامه سلام، در نشست ۲ هزار دانشجوی بسیجی با صدها سؤال روبرو می شود، چنین فرمانده و فرماندهانی و یا آنها که این فرماندهان را جلو انداخته اند و خودشان در سایه ایستاده اند، چگونه می توانند به فرمان پذیری این جمع بسیجی، برای یورش به جنبش مردم اطمینان داشته باشند؟**

سلام از قول فرمانده سپاه پاسداران می نویسد که او در این جلسه گفته است «انتقاد باید باشد، اما باید مواظب بود بین برادران یک خانواده اختلاف بوجود نیاید.»

سلام نوشته است که این جمله را فرمانده سپاه پاسداران در پاسخ به کدام سؤال بیان کرده است، اما براحتی می توان حدس زد، که بسیجی های حاضر در جلسه از ضرورت انتقاد از اظهارات فرمانده سپاه در قم و یا اساساً ضرورت انتقاد و انتقاد پذیری از مقامات و مسئولین نظامی و سیاسی جمهوری اسلامی دفاع کرده اند.

موتلفه اسلامی و روحانیون وابسته به آن، در سالهای اخیر تلاش بسیار کردند تا تشکیلی دانشجویی را در برابر جنبش واقعی دانشجویی و با هدف مقابله با جنبش دانشجویی در خود دانشگاه ها و توسط دانشجویان شکل بدهند. تشکیل انصار حزب ا لله در بیرون دانشگاه و از میان شکنجه گران زندان ها، مجرمین جنائی زندانها و... نشان داد که چنین امکانی در دانشگاهها فراهم نیست و نمی شود! صدها سؤال گردهمایی دو هزار بسیجی دانشگاه های تهران، در جلسه پرسش و پاسخ فرمانده سپاه پاسداران، نشان داد، که دانشجویان بسیجی نیز، اگر نه بیشتر، حداقل باندازه بقیه دانشجویان، با جناح راست، بازار، فرماندهان وابسته به بازار و سرکوبگران مسئله دارند. حضور فرمانده سپاه پاسداران در جمع بسیجی های دانشگاه و باران سؤالاتی که بر سرش بارید، اجلاسی برای سخنرانی نبود، محاکمه ای بود، که اگر فرمانده سپاه پاسداران در آن محکوم نشده و یا احساس محکومیت نکرده بود، این آخرین جمله آن دیدار نشد: «فرمانده من مقام معظم رهبری است و ایشان مرا منع نکرده اند»

همین آخرین استدلال فرمانده سپاه پاسداران، آن پرسش اساسی را با خود همراه دارد، که بنظر می رسد پرسش اکثریت بدنه سپاه پاسداران و بسیج است: «شما به اجازه چه کسی اینگونه سخن می گوئید؟»

آن نیروی پر قدرت اجتماعی، که فرمانده سپاه پاسداران را به جلسه پرسش و پاسخ دانشجویی می کشد، همان نیروی است که ماجراجویی ها نظامی را نیز به ضد خود تبدیل می کند.

## توجیه سیاسی بسیج به چه مفهوم است؟

روز ششم خرداد ماه، در تهران سینهاری با شرکت مسئولان معاونت های پرورشی، تبلیغات و عقیدتی سیاسی سپاه پاسداران و بسیج سپاه پاسداران تشکیل شد. در این سینهار آیت ا لله موحدی کرمانی، نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران، که در عین حال نایب رئیس مجلس اسلامی نیز می باشد، شرکت کرد. او در نخستین روز سینهار توصیه ای در باره بسیجیان کرد، که بی نیاز از هر تفسیری است.

موحدی کرمانی، به نوشته مطبوعات، در این سینهار گفت: «نیاز بسیجیان به مسائل سیاسی کمتر از مسائل عقیدتی نیست و بسیجیان باید نسبت به مسائل سیاسی بخوبی توجیه شوند.»

آیت ا لله موحدی، که در جریان انتخابات ریاست جمهوری، یکی از مخالفان محمد خاتمی و طرفدار پیروزی ناطق نوری بود و اکنون گفته می شود،

وزیر سابق اطلاعات و امنیت "فلاحیان" منتشر ساخته بود، که بازگو کنند بسیاری از حقایق پشت پرده است. سلام نوشت:

«... وزیر اطلاعات در ایام تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری تهدید کرد که اگر فردی غیر از نامزد روحانیت مبارز و جامعه مدرسین (ناطاق نوری) رای بیاورد، من امنیت را تضمین نمی کنم. اکنون می خواهند نشان دهند که آن پیش بینی صحیح بوده است. می گویند باید "تصرت به رعب" ایجاد کرد. گردن زد، زبان برید، عده ای را یک شبه از صحنه خارج کرد، برخی روزنامه ها و دیگر مطبوعات را تعطیل کرد. این جماعت آگاه باشند که مردم ایران به خوبی می دانند که نه اسلام در خطر است و نه انقلاب و نه ولایت فقیه، بلکه آنچه در خطر است تفکری است که مردم در دوم خرداد ۷۶ قاطعانه به آن "نه" گفتند. آنچه در خطر است روشهای سرکوبگرانه است، آنچه در خطر است رفتار تحقیر کننده ملت، بیرویه دو قشر عظیم روحانی و دانشگاهی - است، آنچه در خطر است این نگرش است که خداوند ملک و ملت را تا ابد در اختیار گروهی قرار داده و کسی حق ندارد در آن نظر کند. اینست که هر روز مسالهای بنام اینکه دین در خطر است می آفرینند و هر روز بنام اینکه عده ای ارکان نظام را تضعیف می کنند، مقدمات را مورد تعرض قرار می دهند به جان این و آن می افتند.

روزنامه سلام:

## انجمن اسلامی دانشجویی، چگونه و با چه هدفی شکل گرفت!

بنیال تظاهرات انجمن اسلامی دانشجویان و دانش آموختگان (به رهبری مهندس حشمت ا. الله طبرزدی) در پارک لاله تهران که با یورش چماقداران سازمان یافته توسط "موتلفه اسلامی"، تبلیغات اسلامی، برخی فقهای شورای نگهبان و "روحانیت مبارز تهران" روبرو شد، روزنامه سلام، برای نخستین بار حقایق را افشاء کرد، که تاکنون بارها "راه توده"، بارها و بی اعتنا. به جوسازیها، بر آن انگشت گذاشته است.

سلام، در پاسخ به جنجالی که روزنامه های کیهان، رسالت، جمهوری اسلامی و قدس پیرامون این تظاهرات بره انداخته و آنرا تظاهرات مخالفت با ولایت فقیه و رهبری معرفی کرده بودند، طی سرمقاله ای در شماره ۶ خرداد خود نوشت:

«... گروه مذکور (انجمن اسلامی تحت رهبری طبرزدی) با حمایت حکومت و در اوایل دهه هفتاد با به عرصه وجود نهاد. این گروه برای حمایت از قدرت در مقابل دفتر تحکیم وحدت دانشجویان که مشهور به دانشجویان تندرو بودند تشکیل شد. گروه مورد نظر از طرف تمام جناحهای قدرت حمایت شد، با کمک مالی جناح تکنوکرات و راست حکومت نشریه ("پیام دانشجوی بسیجی") راه انداخت و با حمایت جناح راست سنتی و محافظه کار حکومت به مخالفت با گروههای نامطلبوب از دیدگاه حکومت همت گماشت. برای اولین بار، عنوان آیت ا. الله را برای آقای هاشمی و عنوان امام را برای رهبری بکار برده و مقالات ضد اندیشه های به اصلاح منحرف مذهبی نوشتند.

اصحاب قدرت، از این که انشعابی در درون دانشجویان راه افتاده است، خوشحال بودند، ولی مدتی نگذشت که گروه مذکور در مخالفت با قدرت و حکومت، گوی سبقت را از هر کس و هر گروهی گرفت، بطوری که دیگران را می توان در مقایسه با آنها بسیار محافظه کار تلقی کرد. رفتارهای سیاسی و موضوعات نشریه آنها در گذشته و حال موید این مطلب است که از نظر سیاسی تندترین مواضع را علیه اصحاب قدرت گرفته و از لحاظ فکری هم افکار منحرفان مذهبی! در مقابل آنها بسیار کلاسیک و سنتی جلوه می کنند... بدون شک می توان مدعی شد که در شرایط فقدان فشارهای سیاسی و اجتماعی، گروه مذکور یا گروههای دیگر نه در آن زمان چنان شیفته و واله قدرت می شدند و نه در این زمان چنان بی پروا نسبت به قدرت. حداقل این فرایند را طی چند سال کوتاه طی نمی کردند. از این مقدمه باید این درس را گرفت که اصحاب قدرت توجه کنند که احتمالاً بسیاری از عاشقان سینه چاک فعلی نیز ماهیتی این چنینی خواهند داشت و نمی توان بیش از آنچه که هستند بر حمایتشان اطمینان کرد.»

(اشاره پایانی روزنامه سلام را می توان شامل حال طرفداران امروز ذوب در ولایت فقیه دانست، که انصار حزب ا. الله پیشتازان چاقو بدست و چماق در مشت آنان به حساب می آیند. آنگونه که سلام پیش بینی می کند، بخشی از این جماعت نیز در آینده همان سیر و سرگذشتی را طی خواهند کرد که گروه طبرزدی طی کرد؟)

در ستاد توطئه علیه دولت محمد خاتمی شرکت دارد، در این سخنرانی از توجیه بسیجی ها نسبت به مسائل سیاسی سخن گفته است. "توجیه" اصطلاحی است، که همه ایرانی ها با مفهوم آن، از زمان شاه و ارتش شاهنشاهی آشنا هستند. هم شاه و هم ژنرال های شاهنشاهی پیوسته از توجیه سربازان و افسران سخن می گفتند که منظورشان پذیرش بی چون و چسرای اوامر اعلیحضرت همایونی، شاهنشاه آریامهر بود.

اینکه بسیجی ها توجیه خواهند شد و یا نه، امری است که تصور نمی شود، آیت ا. الله موحدی هم به موفقیت آن امید داشته باشد. از آنجا که موضع گیری و دیدگاه های آیت ا. الله موحدی کرمانی آشکارتر از روز است، باید قبول کرد، که وی منظورش توجیه بسیجی ها، در جهت همان سیاستی است که طرد شدگان انتخابات، در برابر دولت خاتمی دارند. آیت ا. الله موحدی کرمانی، در جریان کارزار انتخاباتی ریاست جمهوری نیز، در جهت همین نوع توجیه ها تلاش کرده و حتی بنام رهبر کنونی جمهوری اسلامی، فتوانی را مبنی بر واجب بودن زای دادن بسیجی ها به ناطق نوری جعل کرده بود، که بدنبال اعتراض بسیجی ها و خواست آنها برای اطلاع از کم و کیف و صحت این فتوا، دفتر علی خامنه ای وجود چنین فتوانی را تکذیب کرد!

بنابراین، تلاش موحدی کرمانی برای توجیه بسیجی ها، تلاش جدیدی نیست و ادامه همان تلاش پیش از انتخابات است، آنچه که باید اهمیتش درک شود، ادامه عدم توجیه سیاسی بسیج در جهت اهداف آیت ا. الله موحدی کرمانی، در حدی است که وی برای دستیابی به آن سمینار تشکیل داده است! این تلاش جدید آیت ا. الله موحدی کرمانی، بی شک هماهنگ است با دیگر تدارکات طرد شدگان انتخابات ریاست جمهوری، برای رفتن به طرف انتخابات مجلس خبرگان رهبری!

## سپاه را علیه دولت تحریک می کنند!

آیت ا. الله نور مفیدی، مانند آیت ا. الله طاهری، از طرفداران محمد خاتمی و دولت اوست. نور مفیدی امام جمعه گرگان و نماینده ولی فقیه در استان گلستان (نام استان جدیدی که منطقه گرگان و دشت را در بر می گیرد) است. نور مفیدی در همایش فرماندهان پادگان بسیج شهرستان گرگان، اشاره به یکی از توطئه های مهم طرد شدگان انتخابات ریاست جمهوری، در دوران پس از انتخابات کرد. او گفت که تمام تلاش را می کنند تا بدنه سپاه پاسداران و نیروهای نظامی را علیه دولت بسیج کنند. نکات مطرح شده توسط آیت ا. الله نور مفیدی را، بعنوان سندی معتبر در زیر می خوانید:

«... عده ای تلاش می کنند تا بگویند من مخالف سپاه و بسیج هستم، شما پاسداران و بسیجیان باید مراقب باشید. آقای خاتمی بهترین و صادقانه ترین مطالب را نسبت به پاسداران اعلام کرد و تمام حرفهای اخیر در رابطه با سخنان فرمانده محترم سپاه پاسداران را جمع کرد و قضیه را فیصله داد. هرکس نباید نظر خودش را عین اسلام بداند.»

## چه کسی انفجار ایجاد می کند، تا کسی احساس امنیت نکند؟

انفجار در ساختمان دادگاه انقلاب اسلامی و حمله به یکی از پادگان های سپاه پاسداران در تهران، آن جنجال تبلیغاتی را در مطبوعات طرد شدگان انتخابات ریاست جمهوری همراه نداشت، که انتظار می رفت. نفس همین امر، نشان می دهد که پیگیری این ماجراجویی و دست یابی به اطلاعاتی که در این ارتباط وجود دارد، چندان به سود حادثه سازان نبوده است! این در حالی است، که برای یافتن کانون حادثه آفرینی نیاز به مدارک و اسناد پیچیده نیست. طرد شدگان انتخابات، هم پیش از انتخابات و هم پس از آن بر ایجاد نا امنی در جامعه و آماده سازی افکار عمومی برای ورود به صحنه نیروهای نظامی پای فشرده اند!

پیش از انفجار در دادگاه انقلاب اسلامی و حمله به مقر سپاه پاسداران، روزنامه سلام، در شماره ۲۲ اردیبهشت ماه خود، سخنانی از قول